

نگرشی بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی - اقتصادی

فیروز جمالی^{۱*}، ابوالفضل قنبری^۲، محمدرضا پورمحمدی^۳

- ۱- استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
- ۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
- ۳- استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۸۷/۳/۶ پذیرش: ۸۷/۱۲/۱۷

چکیده

نابرابری چیست؟ چه ماهیتی دارد؟ چه مشخصه هایی دارد؟ در شهرها و نواحی چگونه می توان آن را شناسایی کرد؟. پیچیدگی مفهوم نابرابری، همانند سایر مفاهیم فلسفی، باعث شده است که فلاسفه و صاحب نظران در تعریف آن اتفاق نظر نداشته باشند و از این رو تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. نابرابری در ابعاد و مقیاس های مختلف نظیر نابرابری در سطح جهانی، ملی، ناحیه ای، شهری، روستایی و جزو آن، ظهور می کند. این امر هم در کشورهای توسعه یافته و هم در حال توسعه در تمامی ابعاد تداوم داشته و دارد. بحث نابرابری توسعه نواحی از موضوعاتی است که به تازگی، یعنی پس از دهه ۱۹۶۰ در فرهنگ برنامه ریزی ناحیه ای مطرح شده است و جایگاه آن هنوز در کشور ما مبهم است.

هدف مقاله حاضر شناخت بیش تر مفهوم نابرابری در مطالعات اجتماعی - اقتصادی و بازشناسایی آن از مفاهیم مرتبط است که در برخی موارد با یکدیگر همپوشی دارند. از این رو با مقابل سازی برخی مفاهیم سعی شده است تا هر چه بیش تر مفهوم نابرابری در مطالعات اجتماعی - اقتصادی روشن شود. روش پژوهش مقاله، توصیفی - تحلیلی است. با مطالعه آرای نظریه پردازان می توان به این نتیجه رسید که نابرابری باید با توجه به شرایط زمانی - مکانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیکی و به عبارتی در چارچوب ساختار همان نظام تفسیر شود؛ زیرا نابرابری مفهومی نسبی، پویا و هنجاری است.

کلیدواژه ها: مفهوم، نابرابری، مطالعات اجتماعی - اقتصادی.



۱- مقدمه

در طول تاریخ، میان افراد و جوامع پرسش‌هایی در زمینه نابرابری مطرح شده است که نابرابری چیست؟ چگونه به وجود آمده است؟ چه مشخصه‌هایی دارد؟ چگونه می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد؟ چگونه می‌توان آن را تعدیل کرد یا از بین برد؟ و جزء آن؟. در شرایط مختلف، پاسخ به چنین پرسش‌هایی متفاوت بوده است. بنابراین هر یک از اندیشمندان با توجه به شرایط زمانی و مکانی، ایدئولوژی و جهان‌بینی خود، چارچوب ساختار نظام خود و جزء آن، پاسخ‌های متفاوتی را ارائه کرده‌اند.

با وجود گسترش نابرابری‌های شهری و منطقه‌ای، مفهوم نابرابری کمتر مورد توجه نظریه پردازان اقتصاد منطقه‌ای، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و جزء آن، قرار گرفته است. چنان‌که توجه به نابرابری‌های فضایی در طول دهه ۱۹۷۰ نمایان شد، «نابرابری‌های منطقه‌ای از مسائل عمده و نگران‌کننده در بیشتر بخش‌های جهان است، از این رو برای سیاست‌گذاران، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، بخشی از هدف اجتماعی عمومی برای کاهش نابرابری به طور کلی و نابرابری بین افراد به طور ویژه می‌باشد (Dupont, 2007: 193-194). در واقع نابرابری‌های منطقه‌ای، تداوم چالش‌های توسعه در بیشتر کشورها را نشان می‌دهد (Shankar & Shah, 2003: 1421). سه دلیل و مدرک مستدل برای تجسم نابرابری در جهان معاصر وجود دارد. امروزه حدود ۲,۷۴۲ میلیون نفر بدون دسترسی به بهداشت مناسب و کافی و بیش از ۸۳۰ میلیون نفر به طور جدی دچار سوء تغذیه^۱ هستند. تفاوت میانگین امید به زندگی^۲ در بین کشورهایی با درآمد بالا و پایین، ۱۹ سال است. ۱۰ درصد ثروتمندترین جمعیت جهان تقریباً نصف درآمد جهان را دریافت می‌کنند (Held & Kaya, 2007: 1). گزارش‌های توسعه انسانی (۱۹۹۰-۲۰۰۷) نیز نشان می‌دهد علاوه بر این که نابرابری در برخی از شاخص‌ها در میان کشورهای جهان روند رو به رشدی داشته، در داخل کشورهای جهان سوم ملموس‌تر هم بوده است، چنان‌که «نابرابری‌های توسعه بین نواحی در این گونه

1. Undernourished
2. Life expectancy

کشورها، موجب به وجود آمدن نخست شهری^۱ شده است که تأثیرات منفی چند بعدی را به دنبال دارد (Sharbatoghlie, 1991: 148).

مسأله و مشکل نابرابری توزیع فضایی درآمد، فعالیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی، علی‌رغم پیشرفت اقتصاد بین‌المللی در طول پنج دهه پس از جنگ جهانی دوم، تداوم داشته و موضوع نظری و عملی مهمی به شمار می‌آید (Petrokos & Saratsis, 2000: 57). از این رو، این مقاله در تداوم بحث‌های نظری ذکر شده با دیدی ژرف‌نگر تلاش دارد تا مفهوم نابرابری را در حوزه مطالعات اجتماعی - اقتصادی تا حد توان بررسی کند.

۲- مفاهیم نابرابری

برای فهم بهتر مفهوم نابرابری در مطالعات اجتماعی - اقتصادی، تشریح و بازشناسایی آن از دیگر مفاهیم مرتبط که در برخی موارد با یکدیگر هم‌پوشی دارند، مهم و ضروری است. بنابراین مقاله حاضر، از راه مقابل‌سازی مفاهیم متعدد، سعی در تشریح، شناخت و فهم هر چه بیش‌تر مفهوم نابرابری در مطالعات اجتماعی - اقتصادی دارد.

۲-۱- نابرابری^۲ - برابری^۳

راندل کالینز^۴ متذکر می‌شود که پرسش‌هایی نظیر نابرابری، ممکن است جواب‌های روشن و ساده نداشته باشد، زیرا که نابرابری یکی از مأنوس‌ترین حقایق زندگی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران امری بدیهی است. با وجود این نابرابری مسأله‌ای نیست که به سادگی حل یا تبیین شود (گرب، ۱۳۷۳: ۹). ریچاردسون^۵ بر این عقیده است که برابری مفهومی پیچیده و گیج‌کننده است. واژه برابری را باید ذکر کرد اما نمی‌توان آن را به صورت ژرف تشریح کرد؛ زیرا تشریح آن در فلسفه و علم اخلاق به بن‌بست کشیده شده است. هودسون^۶،

1. Urban primacy
2. Inequality
3. Equality
4. Randal Collins
5. Harry W. Richardson
6. B. M. Hudson



سه وجه برابری را خاطر نشان می کند: برابری درآمد، برابری پاداش برای تلاش و تأثیر توزیعی تأمین خدمات عمومی (Richardson, 1979: 161 – 162).

نابرابری مفهومی است که در مقابل، برابری قرار می گیرد و به مانند آزادی جزء مفاهیمی به شمار می رود که فلاسفه تعریف واحدی برای آن ارائه نکرده اند. برابری، مفهومی است با معانی گوناگون، و از این رو، ارائه‌ی تعریف نادرست آن می تواند گمراه کننده باشد. برای نابرابری نیز تعریف مستقل وجود ندارد. بنابراین هر آنچه با عنوان برابری در نظام های اجتماعی - سیاسی مطرح می شود، در چارچوب ساختار همان نظام، باید تعبیر و تفسیر شود. برابری عبارت از برداشتی است که طی آن، شرایط اجتماعی مردم همسان تلقی می شود، اما محتوای این همسانی در دوره های تاریخی، در میان طبقات گوناگون متفاوت بوده است (شیخوندی، ۱۳۸۳: ۱-۴). واژه انگلیسی برابری، از مفهوم لاتین مربوط به برابری^۱ مشتق شده است (زاکس، ۱۳۷۷: ۴۶-۴۷).

۲-۲- نابرابری - عدالت

برای این که اثبات شود نابرابری های میان نواحی، به طور واقعی مهم هستند، بررسی رهیافتی از منظر عدالت اجتماعی ضروری است. مفهوم عدالت اجتماعی اصولاً آن قدر همه شمول نیست که بتوان در قالب آن درباره یک اجتماع خوب قضاوت کرد (هاروی، ۱۳۷۹: ۹۷ و ۱۰۲). بر اساس گفته های اسمیت^۲ «اغلب سؤال ها از عدالت اجتماعی، اخلاقیات یا اصول اخلاقی، به صورت هنجاری توصیف می شود و مربوط به چیزی می شود که باید باشد، هم چنین با علم اثباتی^۳ درباره ی چیزی است که وجود دارد، در تضاد است (Smith, 1994: 2).

عدالت اجتماعی با سؤال چه کسی می گیرد؟ چه چیزی می گیرد؟ چگونه می گیرد؟ و به طور دقیق تر با چه کسی، چه چیز، کجا و چه طور باید بگیرد؟، در ارتباط است (Smith, 1977). اسمیت تصور می کند که عدالت مستلزم رفتار عادلانه مردم است، عدالت توزیعی به این معنا است که هر نوع چیزی که توزیع می شود، باید مردم در کمیت های درست، آن را دریافت کنند. موضوع

1. Equalities, aqueous
2. D. M. Smith
3. Positive

مرکزی عدالت توزیعی این است که چه‌طور رفتار متفاوت، توجیه شود؟ یا چه‌طور تفاوت های میان مردمکه با خصوصیات ویژه مرتبط هستند، توزیع شود؟ این موضوع از آن جا ناشی می شود که تمایز بین برابری عددی، به این معنا که هر شخصی در واقع همان تعداد چیز را دریافت کند و برابری نسبی به معنای این که مردم، هر چیزی را به نسبت تعداد، با شرایطی که می تواند میان آن ها متفاوت باشد، دریافت کنند (Smith, 1994: 24). هم چنین برابری عددی با چیزی مربوط می شود که دیگر نویسندگان به آن، دسترسی برابر به خدمات عمومی اطلاق می کنند و به برابری افقی^۱ هم معروف است (Devas & Rakodi, 1993). تالن^۲ توزیع عادلانه خدمات عمومی را مورد مطالعه قرارداد و با ملاکی برابری را تعیین کرد، جایی که هر شخص منافع عمومی مشابهی را بدون در نظر گرفتن طبقه اقتصادی - اجتماعی یا با میل و رغبت یا با توانایی پرداخت آن دریافت می کند (Talen, 1998: 24). با توجه به طبقه بندی برابری نسبی، ملاک هایی که به کار می روند، به شرح زیر می باشند:

• ملاک نیاز: این ملاک که به وسیله کرامپتون^۳ و ویکز^۴ «برابری ترمیمی»^۵ معرفی شد، به وسیله لوسی^۶ به برخورد نابرابر تبعیضی نسبت داده می شود که آن مبتنی بر عواملی نظیر فقر و نژاد است (Talen, 1998: 24).

• ملاک تقاضا: جایی که مشارکت فعال در تصمیم های توزیعی ارزشمند است، به وسیله استفاده کنندگان از منافع افزایش پیدا می کند. این موضوع با قدرت گروه های فشار از سوی گروه های خاص در ارتباط است (Werna, 2001: 1).

• ملاک بازار: هزینه خدمات، عامل کلیدی در توزیع است. به میزانی که مردم (و هزینه های آن را می پردازند) از خدمات ویژه، استفاده می کنند، توزیع خدمات را تعیین می کند. دیواس^۷ و راکودی^۸ به دو ملاک برابری عمودی و ملاک منفعت در این زمینه اشاره می کنند (Devas & Rakodi, 1993: 57 - 58).

-
1. Horizontal Equity
 2. E. Talen
 3. Crompton
 4. Wicks
 5. Compensatory equity
 6. Lucy
 7. N. Devas
 8. C. Rakodi



۲-۳- نابرابری - حقوق و نیازها

حقوق^۱ با موضوعات برابری و انتخاب برخی شاخص های شهری و منطقه ای در بیش تر موارد به هم مرتبط می شوند چون اغلب آن ها با پیروی از اصول واضح تدوین شده اند. یک مثال خوب از این شاخص های شهری به وسیله هاییتات^۲ تدوین شده است، جایی که تعهدی برای ترفیع حق داشتن مسکن مناسب، مبتنی بر پایه های برابری، وجود دارد. از آن جایی که اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ در سال ۱۹۴۸ اتخاذ شد، حق داشتن مسکن مناسب به عنوان عنصر سازنده مهم از حق استاندارد مناسب زندگی شناخته شده است. بخشی از فعالیت هایی که دولت ها در بخش مسکن، متعهد به تهیه آن می باشند، این است که قانون باید هر گونه تبعیضی^۴ را از بین ببرد و برای همه افراد جامعه، حمایت مؤثر و برابری را تضمین کند (UNCHS, 2000: Paragraph 61). این حق، بر برابری تأکید می کند و برای آن، مهم نیست چه کسی، چه موقع و کجا واقع شده است. اسمیت تلاش بیشتری می کند تا حقوق را - که معروف بوده و تضمین شده اند- از خواسته ها^۵ - که می تواند برآورده شود و در ارتباط با علایق شخصی است- و از نیازها^۶ - که می تواند کمی شده و ارضا شود - تفکیک کند (Smith, 1994: 34). پشین تشریح می کند که نیازهای اساسی معین برای تمامی افراد، نیازهای جهانی و مشترکی هستند، اما بسیاری از نیازها با شرایط جغرافیایی - اجتماعی معینی در ارتباط هستند (Pacione, 2003).

۲-۴- نابرابری - تفاوت

اسمیت می نویسد که نابرابری باید از تفاوت^۷ تمییز داده شود، به ویژه جایی که اغلب تفاوت های شهری - اجتماعی به صورت مثبت نگریسته شده و ارتباط تنگاتنگی با ارزش ها و انتخاب های فرهنگی و شخصی وجود داشته باشد. وی هم چنین یادآوری می کند که نابرابری

1. Rights
2. Habitat
3. Universal declaration of human rights
4. Discrimination
5. Wants
- 6 Needs
7. Difference

می تواند به صورت نوع خاصی از تفاوت بین مردم که سؤالات اخلاقی از آن حاصل می‌شود، اندیشیده شود (Smith, 1994: 49).

۲-۵- نابرابری - جدایی‌گزینی

جدایی‌گزینی^۱، تمرکز فضایی گروه‌های جمعیتی است که با جدایی‌گزینی اقتصادی-اجتماعی، نژادی یا گروه‌های دیگر مرتبط می‌شود. فاندیر واستون^۲ و ماستیرد^۳ با تطبیق مطالعات موردی مختلف تشریح می‌کنند که بلغاست^۴ شاید مثالی از نابرابری با درآمد کم، اما با سطوح بالای جدایی‌گزینی باشد. در مقابل آن شهرهای ایالات متحده آمریکا، سطوح بسیار برجسته جدایی‌گزینی منطبق با سطوح بالای نابرابری است (Van der Wusten & Musterd, 1998: 247). اسناد و شواهد بسیاری وجود دارد که در بسیاری از موارد، نابرابری فضایی، نابرابری اجتماعی را تقویت می‌کند (Skop, 2006: 394). همچنین جدایی‌گزینی که ناشی از نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی است، می‌تواند از سیاست‌های دولت‌ها متأثر شده باشد و دولت‌ها می‌توانند شرایط جدایی‌گزینی را بدتر کنند (Kaplan & Woodhouse, 2004: 581).

۲-۶- نابرابری - فقر

فقر از نظر زبان‌شناسان در معنای متفاوت ذیل به کار می‌رود: تنگدستی، پریشانی، شکستن، کندن دهانه قنات و گودالی که در آن نهال خرما می‌کارند (اختر شهر، ۱۳۸۵: ۹۱). فقر در اصطلاح عبارت است از: ناتوانی در فراهم آوردن نیازهای اساسی برای رسیدن به یک زندگی آبرومندانه شایسته انسان یا وضعی که در آن درآمد برای تأمین نیازهای معیشتی کافی نباشد (مارک هنری، ۱۳۷۴: ۸۰). فقر پدیده‌ای است که به خوبی شناخته شده است، با این حال وحدت نظر در باب این موضوع که فقر به طور واقعی چیست و فقیر کیست، وجود ندارد (Prasad, 1985: 3). برخی از نظریه‌پردازان نظیر گلداسمیت^۵ و بلیکلی^۱ برای شناخت فقر،

1. Segregation
2. H. Van der Wusten
3. S. Musterd
4. Belfast
5. Goldsmith



آن را در مقابل واژه هایی نظیر آسیب شناسی، شاخص تصادف و فقر به صورت ساختار قرار می دهند (Goldsmith & Blakely, 1992: 4).

از زمانی که فلسفه فقر به وسیله پرودون در ۱۶۰ سال پیش به نگارش درآمده و در آن فقر، ناشی از اعتنا نکردن و اجرای عدالت جامعه به ارزش کار مردم دانسته شده است، مدت طولانی برای شناخت فقر می گذرد. تلاش های بسیاری در این راستا صورت گرفته است، اما همچنان مشکل باقی است (رئیس دانا، ۱۳۷۹: ۲). برای سهولت در شناخت اصطلاح فقر، تقسیم بندی از آن به عمل آمده است که از آن جمله می توان به فقر مطلق^۲ و فقر نسبی^۳ (Schiller, 2001: 16-17)، فقر مبتنی بر نیازهای اساسی (راولین، ۱۳۷۶: ۴۲ و ارائی، ۱۳۸۴: ۵)، فقر انسانی^۴ (غفرانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۸۸) و فقر قابلیت^۵ (مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱) اشاره کرد. هر چند که مرز میان آن ها چندان مشخص و آشکار نیست و نسبت به شرایط زمانی- مکانی، بافت اقتصادی و اجتماعی و جزء آن، پویا می باشد.

نابرابری و فقر مشابه یکدیگر نیستند. اولی شرایط نسبی است که اغلب به وسیله ضرایب مقایسه ای^۶، نظیر ضریب جینی^۷ و ضریب شاخص تایل^۸ که نسبت به اولی کم تر متداول است، اندازه گیری می شود (Gottdiener & Budd, 2006: 65). فقر و نابرابری اگر چه با یکدیگر ارتباط دارند، اما پدیده متفاوتی هستند (De. Ferranti & et al, 2004: 24). یکی از این روابط، فقیر بودن ملت ها بر اثر نابرابری های اجتماعی و اقتصادی است (تقی زاده، ۱۳۶۹: ۲۷۹).

به تازگی نگرانی درباره نبود بحث روی نابرابری گسترش پیدا کرده است، زیرا توجه به طور عمده بر فقر شهری معطوف شده است، نبود بحث در برنامه های بین المللی و دولتی برای برچیدن فقر شهری به خوبی در نوشته ها دیده می شود. میتلین^۹ و دیگران دو علت را

1. Blakely
2. Absolute poverty
3. Relative poverty
4. Human poverty
5. Capability poverty
6. Comparative ratios
7. Gini coefficient
8. Theil-I Coefficient
9. Mitlin

شناسایی کرده اند: توجه خاص به رهیافت های توسعه که از بازار مشتق شده است، بیش از ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر افزایش یافته است و میل به درک نابرابری هایی نظیر اهمیت در تدارک محرک های شخصی برای کارفرما افزایش داشته است (Mitilin, 1996: 3). به هر حال گلین^۱ و مالیند^۲ در مطالعات خود دریافتند که نابرابری گسترده، مریضی، فشار اجتماعی و جرم و جنایت بیش تر را به همراه خود می آورد که این عوامل مانع رشد اقتصادی می شوند (Pantazis & Gordon, 2000: 15).

در نتیجه، این عوامل منجر به شک گرایی^۳ درباره هر نقشی که دولت ها ممکن است در کاهش نابرابری بازی کنند، می شود. چشم انداز مشابهی در گزارش توسعه انسانی^۴ سال ۲۰۰۱ به شرایط ذیل دیده می شود: عمده اقتصاددانان توسعه، درباره فقر جهانی نگرانند، موضوع اصلی نابرابری نیست بلکه رشد و کاهش فقر است و به نظر اقتصاددانان، دوره بعد از جنگ جهانی در قرن بیستم، نابرابری در بدترین صورت خود، الزام نامطلوب برای تعالی رشد به وسیله تمرکز درآمد در میان ثروتمندان محسوب می شد که پس انداز و سرمایه گذاری می کردند و به وسیله ایجاد محرک هایی برای افرادی که سخت کار می کنند و نوآوری و خطرپذیری تولید را پذیرفته بودند (United Nations Development) Program, 2001: 17.

به هر حال، توجه به نابرابری و تمایز آن از فقر افزایش پیدا کرده است. این موضوع در گزارش جهانی سکونتگاه های بشری سال ۲۰۰۱، چنین منعکس شده است. اگر چه فقر مطلق به اندازه کافی مضر است، زمانی ضرر آن بیش تر است که در حین شرایط وفور رخ دهد. فقر نسبی بازتاب نابرابری هایی است که سؤالات مهم دست پیدا کردن عادلانه، به حقوق و منابع از آن ناشی می شود و دوگانگی زمانی اتفاق می افتد که اغلب، نابرابری ها بدتر شود و ناعدالتی ها برجسته شده و در آن مبالغه شود (United Nations Centre for Human Settlements, 2001: 15). این تمایز بین فقر مطلق و فقر نسبی، موضوع بنیادی بحث درباره فقر و محرومیت است. در حالی که فقر مطلق در رسیدن به حداقل معیار زندگی و نیازهایی که از لحاظ زیستی ثابت شده، ناتوان است، فقر

1. Glyn
2. Miliband
3. Skepticism
4. Human Development Report (H.D.R)



نسبی نیز در رسیدن به استانداردهای نسبی زندگی کل جامعه ناتوان است، جایی که نیازها از لحاظ فرهنگی تعیین شده اند. بنابراین فقر به صورت پدیده ای نسبی تر از دیگر نیازها، نظیر امنیت شغلی و عزت نفس نگاه می شود (Stephens, 1996: 14). این دو مفهوم باید از نابرابری و عدالت^۱ تفکیک شود، جایی که نابرابری متضمن تفاوت عدم برابری و اختلاف است و بی عدالتی متضمن نبود عدالت و عمل غیر عادلانه است. پیشین هم چنین تأکید می کند که عدالت نباید با برابری^۲ اشتباه گرفته شود. او اشاره می کند که شهروندان در هیچ یک از نیازهای خدماتی و ترجیحات با یکدیگر برابر نیستند و آن هایی که خدماتی برابر دریافت کرده اند، نشانگر این است که تا حدودی با آن ها به خوبی رفتار شده است (Pacione, 2003: 339). در این مورد برابری چیزی است که اسمیت به صورت برابری عددی آن را تعریف می کند و عدالت چیزی است که وی آن را به صورت برابری نسبی تعریف می کند (Smith, 1994: 9). استفانز^۳، نابرابری را از بی عدالتی متمایز می کند و سپس جنبه اخلاقی یا هنجاری نیز به آن می دهد در حالی که دیگر نویسندگان بدون تمایز آن را به کار می برند (Stephens, 1996: 14).

کاستلز^۴، نابرابری گروه ها، دوگانگی و فقر را با عنوان فرایندهای تمایز اجتماعی^۵ بررسی می کند و آن ها را به این صورت تعریف می کند: نابرابری به تخصیص متمایز ثروت - درآمد و دارایی - به وسیله گروه های اجتماعی و فردی مختلف نسبت به یکدیگر نسبت داده می شود. دوگانگی^۶ فرایند معینی از نابرابری است و زمانی رخ می دهد که در سطوح بالا و پایین، درآمد یا توزیع ثروت نسبت به سطوح میانی سریع تر رشد کند، بنابراین سطوح میانی کاهش پیدا می کند و از این رو تفاوت های اجتماعی بین دو بخش جمعیت به نهایت شدت خود می رسد. فقر معیار مشخص نهادی درباره سطحی از منابع پایین تر است که ممکن نیست به حداقل معیارهای زندگی مورد توجه که جامعه در آن زمان، به آن دست یافته باشد، برسد (Castells, 1999: 71).

-
1. Equity
 2. Equality
 3. C. Stephens
 4. M. Castells
 5. Processes of Social Differentiation
 6. Polarization

۲-۷- نابرابری - پایداری

عدالت، توأم با برابری در زندگی، تجسم پایداری^۱ است. رپتو^۲ (۱۹۸۵) ایده اصلی پایداری را شرایطی می‌داند که تصمیم‌های خارجی به دورنمای حفظ یا بهبود معیارهای زندگی آیندگان زیان نرساند. مارکاندیا و پیرس (۱۹۸۴) نیز معتقدند واژه ی پایداری باید دوباره^۳ به گونه ای تعریف شود که استفاده از منابع امروز، درآمد آیندگان را کاهش ندهد (متوسلی، ۱۳۸۲: ۵۴). در سال ۱۹۸۷، کمیسیون جهانی و توسعه^۳، توسعه پایدار^۴ را به صورت توسعه ای که نیازهای نسل فعلی را بدون این که توانایی نسل‌های آینده را در جهت برآوردن نیازهای خود به مخاطره بیاندازد، تعریف می‌کند (WCED, 1987). عدالت به صورت انسجام اجتماعی^۵ در شرایط متعادل برای مردمی که در حال و آینده زندگی می‌کنند، تعریف می‌شود. عدالت اجتماعی و برابری زندگی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های پایداری است (EURONET, 1997). مفهوم پایداری در بیانیه‌های دولت‌های محلی مختلف، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی^۶، به‌خصوص بعد از سال ۱۹۹۲، همایش سران درباره زمین^۷ در ریو^۸، که منجر به صدور بیانیه ۲۱ شد، دچار ابهام شد. بیانیه ای که نشست سران صادر کردند، به‌خصوص در اصل پنجم، اهمیت کاهش نابرابری برای توسعه پایدار را ذکر می‌کند. تمام کشورها و همه مردم باید در وظیفه بنیادی ریشه‌کنی فقر به صورت نیاز ضروری برای توسعه پایدار جهت پایین آوردن نابرابری‌ها در معیارهای زندگی و برآورده کردن بهتر نیازهای اکثریت مردم جهان مشارکت کنند (United Nations, 1992: Principle 5). این موضوع در اولین گزارش کمیسیون اروپا روی شهر پایدار با این مضمون تأکید شده است: پایداری محیط نمی‌تواند بدون عدالت اجتماعی و پایداری اقتصادی درک شود. هم‌چنین نیاز به شاخص‌های پایداری را به صورت ابزاری برای کمی کردن عملکرد پایداری شناسایی می‌کند (Mega, 1996: 133 - 154).

1. Sustainability
2. Robert Repetto
3. World Commission on Environment and Development (WCED)
4. Sustainable
5. Social solidarity
6. NGOs
7. Earth summit conference
8. Rio



۲-۸- نابرابری - محرومیت^۱

محرومیت به صورت وضعیت اشکال نسبی واضح و قابل اثبات برای اجتماع محلی یا جامعه وسیع تر یا ملت نیست تا این که یک فرد، خانواده یا گروه که به آن متعلق است، تعریف شود. محرومیت به شرایط معین، نظیر نبود پوشاک، مسکن، وسایل رفاهی خانواده، آموزش و فعالیت های اجتماعی به منابع نسبت داده می شود و از این رو از فقر متمایز می شود (Brodway & Jesty, 1998). محرومیت ابعاد متعددی نظیر محرومیت اقتصادی^۲، محرومیت سیاسی^۳ و محرومیت اجتماعی^۴ دارد (شیانی، ۱۳۸۴: ۴).

محرومیت شهری به صورت موضوع اصلی و مهم در مطالعات شهری و جغرافیای شهری در طول دهه ۱۹۹۰، ظاهر شد و جغرافی دانان سهم مهمی در بررسی ابعاد فضایی نابرابری، محرومیت، جدایی‌گزینی و دیگر موضوعات با استفاده از تکنیک های متنوع نظیر تولید و تفسیر نقشه و تحلیل‌های آماری داشتند (Langlois & Kitchen, 2001: 119). اندازه گیری محرومیت از راه شاخص‌ها به دفعات در انگلستان استفاده شده است و پس از بازنگری، شاخص محرومیت محلی در سال ۲۰۰۰ به صورت شاخص محرومیت چندگانه^۵ منتشر شد (DETR, 2000). آخرین بازنگری از شاخص محرومیت چندگانه در سال ۲۰۰۴ منتشر شد که ابعاد ذیل را شامل می شود: محرومیت درآمد، محرومیت اشتغال، محرومیت بهداشت و معلولیت، آموزش، محرومیت مهارت ها و تربیت، موانع برای مسکن و خدمات، محرومیت محیط زندگی و جرم (ODPM, 2004). براساس نظریه تاکی^۶ و استاویچ^۷، علت ریشه ای محرومیت، اقتصادی است و از سه منبع سرچشمه می گیرد: دستمزد پایین، عدم اشتغال و کاهش هزینه رفاه. محرومیت بسیار بنا مفهوم طرد اجتماعی مرتبط می شود (Pacione, 2003: 291).

1. Deprivation
2. Economic deprivation
3. Political deprivation
4. Social deprivation
5. IMD : Index of Multiple Deprivation
6. Thake
7. Staubach

۲-۹- نابرابری - طرد اجتماعی

زمانی که افراد یا بخش‌های بزرگی از جمعیت دسترسی برابر به حقوق و منابع را تکذیب می‌کنند، می‌توانند طرد شدگان از لحاظ اجتماعی به شمار آیند. افزایش سطوح نابرابری در داخل شهرها شاید نشانه‌ای از وجود این مشکل باشد. طرد اجتماعی^۱ پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. مردم از لحاظ اجتماعی هنگامی طرد شده هستند که از دسترسی به دارایی‌هایی نظیر مستغلات یا درآمد (عدم اشتغال) محروم شوند، هنگامی که آنان فاقد ارتباط با جریان غالب جامعه هستند یا هنگامی که آنان از بخش یا کل حقوق سیاسی و انسانی محروم شوند، (به طور مثال مهاجران و اقلیت‌ها (Bessis, 1995)).

فقر شکلی از طرد اجتماعی است که یکی از موارد آن نابرابری درآمد و طرد مادی است، تمرکز سنتی آنگلو ساکسون‌ها^۲ روی موضوعات طرد اجتماعی است و به عبارت دیگر، مفهوم طرد اجتماعی به طور عمده به وسیله سنت عقلانی فرانسوی^۳ بسط داده شد که بر طرد اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند و به تازگی با بحث و بررسی در اتحادیه اروپا^۴ تصویب شده است. جنبه‌هایی از طرد اجتماعی نظیر فقر، نابرابری و بی‌عدالتی وجود دارد که نمی‌تواند به صورت اصطلاحات پولی تعبیر شود، برای مثال، هویت اجتماعی^۵، امیال و مشارکت سیاسی و اجتماعی (European Commission, 1998). ورنکن^۶ طرد اجتماعی را بخشی شمرده است که از مجموعه‌ای چهارتایی، تفکیک، تجزیه، نابرابری و طرد اجتماعی تشکیل می‌شود. چهار مفهوم نتیجه‌ای از ترکیب وجود یا عدم سلسله مراتب و وجود یا عدم خطوط معیوب هستند. خطوط معیوب به صورت شکاف، دیوار یا مانع نشان داده می‌شوند. (Vranken, 2001: 4).

۳- نابرابری منطقه‌ای^۷

در مطالعات اقتصادی - اجتماعی، نابرابری اغلب به صورت صرف نمایش عددی^۱ تفاوت‌های

1. Social exclusion
2. Anglo. Saxons
3. French
4. European Union (EU)
5. Social identity
6. J. Vranken
7. Regional inequality



بین افراد از نظر درآمد در محدوده جمعیت معینی تعریف می شود. به هر حال در مطالعات شهری و منطقه‌ای، تعریف گسترده‌ای از این اصطلاح به صورت متداول مورد استفاده قرار می گیرد. نابرابری‌های بین منطقه‌ای تنها جهت انعکاس نابرابری‌های درآمدی تصور نمی شود بلکه در رشد جمعیت، تهیه خدمات، تولید اشتغال، آموزش و ثروت به کار می رود. در بیش‌تر کشورها، نواحی‌ای وجود دارد که به خوبی توسعه یافته‌اند، در صورتی که دیگر نواحی عقب مانده یا عقب‌داشته شده هستند. چنین نابرابری‌هایی در توسعه منطقه‌ای به نابرابری‌های بین منطقه‌ای نسبت داده می شود. نابرابری‌های منطقه‌ای به طور متداول با دو عامل - درآمد و اشتغال - مرتبط می شود. به هر حال، مقیاس‌های دیگر نابرابری نیز مورد استفاده قرار می گیرد. این مقیاس‌ها شامل تولید ناخالص منطقه‌ای، کار و سرمایه‌گذاری، رشد جمعیت، شرایط مسکن و سطح میانگین آموزش می باشد (Portnov & Erell, 2004: 225 - 226). از دهه ۱۹۷۰، دوباره فعالیت جغرافی دانان درباره نابرابری‌ها و موضوعات اخلاقی و اجتماعی، نظیر مضمون اخلاقیات عمل حرفه‌ای گسترش یافت (Couclelis, 1999: 115- 124).

میسرا^۲ این موضوع را این گونه بیان می کند که «در هر حوزه یا ناحیه فرو ملی، بدون در نظر گرفتن اندازه‌ی آن، از نظر درآمد، ظرفیت‌های عوایدی و کیفیت زندگی، تفاوت‌هایی میان - فردی و میان - گروهی وجود دارد. این تفاوت‌ها ممکن است ریشه‌های تاریخی و فرهنگی داشته باشد، اما قسمتی نیز ناشی از مناسبت‌های طبقات اجتماعی است که مختصات هر فرد و گروه را در دوره تولید و توزیع تبیین می کند. نابرابری‌های چشمگیر توسعه اعم از آن که از چشم اندازی محلی، منطقه‌ای یا گروهی نگاه شوند، تا اندازه‌ای از این مناسبت‌ها ناشی می شوند؛ در این صورت نابرابری‌های منطقه‌ای را باید نشانه‌های چیز بسیار ریشه دارتر و بنیادی تر دانست (میسرا و مابوگونج، ۱۳۶۸: ۵۴).

تغییرات منطقه‌ای همواره با بازساخت نظام حاکم و ایدئولوژی مسلط بر آن پیوند می خورد. در زمینه نابرابری‌های منطقه‌ای و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تحلیل مباحث زیر، اساس کار جغرافی دانان برنامه‌ریز می باشد (شکوئی، ۱۳۸۲: ۲۷۶ - ۲۷۷):

1. Scalar representation
2. R. P. Misra

- ۱- حمایت از سیاست عمومی بر مبنای راهیابی سرمایه گذاری، اشتغال و خدمات، به سمت نواحی عقب مانده (راهبرد اشتغال برای مردم)؛
- ۲- حمایت از مهاجرت مردم از نواحی عقب مانده به نواحی ای که دارای پویایی اقتصادی می‌باشند؛ یعنی راهبرد مردم برای اشتغال. در این مورد هدف های ملی بیش از اهداف منطقه ای مورد توجه قرار می گیرد. سه جغرافی دان معروف معاصر، جانستون^۱، ناکس^۲ و کوتس، مطالعه نابرابری های فضایی را کانون جغرافیای نو می دانند.

۴- نتیجه گیری

- در مطالعات اجتماعی - اقتصادی، با توجه به مفاهیمی که در مقابل مفهوم نابرابری مورد بررسی و تبیین قرار گرفت می توان نکاتی را به عنوان نتیجه گیری به شرح ذیل بیان کرد.
- ۱- تبیین نابرابری همانند سایر مسائل انسانی پیچیده بوده، در این صورت ارائه تعریف واحد از آن مشکل است؛
 - ۲- نابرابری با مسائل هنجاری و اخلاقی سرو کار دارد، در این صورت با علم پوزیتیو در تضاد می باشد؛
 - ۳- نابرابری پدیده ای پیچیده و چند بعدی با جنبه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جزء آن است؛
 - ۴- مرز میان برابری و نابرابری در جوامع مختلف، متفاوت بوده و چندان مشخص و آشکار نیست. از این رو نابرابری نسبت به شرایط زمانی - مکانی، بافت اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژی نظام حاکم، شرایط و مقتضیات سیاسی و جزء آن، پویا می‌باشد؛
 - ۵- نابرابری باید با توجه به شرایط زمانی - مکانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیکی و به عبارتی در چارچوب ساختار همان نظام تعبیر و تفسیر شود؛ زیرا نابرابری مفهومی نسبی، پویا و هنجاری است.

1. R.J. Johnston
2. Paul Knox



۵- منابع

- اخترشهر ع.؛ اسلام و توسعه؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
- ارائی س. م. م.؛ «آسیب‌شناسی برنامه‌های فقرزدایی در ایران»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۵، ش. ۱۸، پاییز ۱۳۸۴.
- تقی‌زاده م.؛ برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی (ویژه جهان سوم)؛ تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹.
- رئیس دانا ف.؛ فقر در ایران (مجموعه مقالات)؛ تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.
- راولیون م.؛ مقایسه فقر؛ تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۶.
- زاكس، و.؛ نگاهی نو به مفاهیم توسعه؛ مترجمان: فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- شکوئی ح.؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی؛ ج. ۲، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۲.
- شیانی م.؛ «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۵، ش. ۱۸، پاییز ۱۳۸۴.
- شیخاوندی د.؛ مفاهیم برابری و نابرابری در فلسفه‌های غربی؛ مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۸، ش. ۱، پاییز ۱۳۸۳.
- غفرانی ح. و دیگران؛ گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳؛ تهران: مؤسسه فرهنگی ابن‌سینای بزرگ، ۱۳۸۲.
- گرب، ا. ج.؛ نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر؛ ترجمه: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاده، تهران: نشر معاصر، ۱۳۷۳.
- مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه‌ریزی؛ فقر و شکاف اجتماعی، دفتر دوم از مجموعه گزارش‌های همایش‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه در ایران؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۱.

- مارک هنری پ.؛ فقر، پیشرفت و توسعه؛ ترجمه: مسعود محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.
- متوسلی، م.؛ توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی؛ تهران: سمت ۱۳۸۲.
- میسرا، آر. پی، مابوگنج ال؛ توسعه منطقه‌ای: روش‌های نو؛ ترجمه: عباس مخبر، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.
- هاروی د.؛ عدالت اجتماعی و شهر؛ ترجمه: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، چ. ۲، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، ۱۳۷۹.

- Bessis S; Form social exclusion to social cohesion: Towards a policy Agenda; Copenhagen: Most – UNESCO, 1995.
- Brodway M. J., Jesty G.; Are Canadian inner cities becoming more dissimilar? An analysis of urban deprivation indicators; Urban Studies, Vol. 35, No. 9, August 1998.
- Castells M; The information age: economy, society and culture; Vol. III, End of Millennium 3, and Oxford: Blackwell, 1999.
- Couclelis H.; Spatial information technologies and societal problems; In: M. Craglia and H. Onsrud (Editors), Geographic Information Research: Trans-Atlantic Perspectives, London: Taylor and Francis, 1999.
- De. Ferranti D. & et al; Inequality in Latin America: Breaking with history? Washington D.C: The World Bank, 2004.
- Department of the Environment; Transport and the regions, indices of deprivation 2000; London: Department of the Environment, Transport and the Regions, 2000.



- Devas N., Rakodi C.; Planning and managing urban development; In: N. Devas and C. Rakodi (Editors, Managing Fast Growing Cities. New Approaches to Urban Planning and Management in Developing World, Essex: Longman. [http:// www. Poplin. Org. docs /1013 / 083077.html](http://www.Poplin.Org.docs/1013/083077.html), 1993.
- Dupont V.; “Do geographical agglomeration, growth and equity conflict?” Regional Science, Vol. 86, No. 2, June 2007.
- EURONET; Environment planning and development; The International Council for local Environmental Initiatives (ICLEI). [http:// www.iclei.org](http://www.iclei.org), 1997.
- European Commission; Non – monetary indicators of poverty and social exclusion; Brussels: European Commission, 1998.
- Goldsmith W. W., Edward J. B.; Separate societies: Poverty and inequality in U.S. Cities; Philadelphia: Temple University Press, 1992.
- Gottdiener M. , Budd I. ; Key concepts in urban studies ; 2th, London: SAGE, 2006
- Held D., Ayse K.; “Introduction”; In David Held & Ayse Kaya (eds), Global Inequality, Cambridge: Polity Press, pp: 1-25, 2007.
- Kaplan David H, Kathleen W.; “Research in ethnic segregation I: Causal factors”; Urban Geography, Vol. 25, No.6, August – September 2004.
- Langlois A., Peter K.; “Identifying and measuring dimensions of urban Ddeprivation in Montreal: An analysis of the 1996 census Data”; Urban Studies, Vol. 38, No. 1, January 2001.
- Mega V.; “Our city, our future: Towards sustainable development in European cities”; Environment and Urbanization, Vol. 8, No .1, PP: 133-154. <http://eau.sagepub.com/cgi/content/abstract/8/1/133>, 1996.

- Mitlin D. & et al; "City inequality (Editors Introduction)"; Environment and Urbanization, Vol. 8, No. 2, October 1996.
- Office of the Deputy Prime Minister; the English indices of deprivation 2004 (revised); London: Office of the Deputy Prime Minister, 2004.
- Pacione M.; Urban geography, a global perspective; 2th, London: Routledge, 2003.
- Pantazis C, Gordon, D.; Tackling inequalities: Where are we now and what can be done? Bristol: Policy Press, 2000.
- Petrakos G., Yiannis S.; "Regional inequalities in Greece"; Regional Science, Vol. 79, Issue. 1, January, 2000.
- Portnov B. A, Evyatar E.; "Interregional inequalities in Israel, 1946-1995: Divergence or Convergence"; Social – Economic Planning Sciences, Vol. 38, Issue.4, December, 2004.
- Prasad K.; Planning for poverty alleviation; New Delhi: Agricolo Publishing Academy, 1985.
- Richardson H. W.; "Aggregate efficiency and interregional Equity"; In Hendrik Folmer (eds), Spatial Inequalities and Regional Development, Boston: Kluwer, PP: 161 – 183, 1979.
- Schiller Br. R.; The economics of poverty and discrimination; 8th, New Jersey: Printice Hall, 2001.
- Shankar R., Anwar S.; "Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities"; World Development, Vol.31, No.8, PP: 1421-1441, 2003.
- Sharbatoghlie A.; Urbanization and regional disparities in post – revolutionary Iran; Boulder: Westview Press, 1991.



- Skop E.; "Introduction-urban space: The shape of inequality"; Urban Geography, Vol. 27, No.5, July- August 2006.
- Smith D. M.; Human geography: A welfare approach; London: Edward Arnold, 1977.
- Smith D. M.; Geography and social justice; Oxford: Blackwell, 1994.
- Stephens C.; "Healthy cities or unhealthy islands? The health and social implications of urban inequality; Environment and Urbanization, Vol. 8, No. 2, October 1996.
- Talen E; "Visualizing fairness, equity maps for planners"; Journal of the American Planning Association, Vol. 64, No .1, PP: 22- 38, 1998.
- United Nations; Rio declaration on environment and development; Rio de Janeiro, 1992.
- United Nations Centre for Human Settlements; Urban indicators toolkit a guide for Istanbul +5, Nairobi: UNCHS; <http://www.UrbanObservatory.org/Indicators> and <http://www.Istanbul5.org>, 2000.
- United Nations Centre for Human Settlements; Cities in globalizing world; Global Report on Human Settlements, London: Earth Scan, 2001.
- United Nations Development Program; Human development report; Oxford: Oxford University Press, 2001.
- Van der Wusten H., Musterd S.; Welfare state effects on inequality and segregation; In: S. Musterd & W. Ostendorf (Editors), Urban Segregation and the Welfare State: Inequality and Exclusion in Western Cities, London: Rutledge, PP: 238-248, 1998.
- Vranken, J.; No social cohesion without social exclusion? Murex lecture 5; European Online Seminar on Urban Transformation, Poverty, Spatial Segregation and Social Exclusion, 2001.

- Werna E.; combating urban inequalities: Challenges for managing cities in the developing World; Northampton; MA: Edward Elgar Publication, 2001.
- World Commission on Environment and Development; Our common future; Oxford: Oxford University Press, 1987.

